

ارزیابی نقش مؤلفه‌های مؤثر در فضای باز مجتمع‌های مسکونی بر ایجاد تعاملات اجتماعی

مهندس نازنین دهناد*، دکتر باقر کریمی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

فضاهای عمومی از عناصر اصلی در شکل دادن زندگی اجتماعی است. تعامل و ارتباط عوامل اجتماعی و کالبدی معیار سنجشی برای میزان مطلوبیت مکان‌های زیستی تلقی می‌شود. هدف این پژوهش به بررسی رابطه بین کیفیت فضای باز و تعاملات اجتماعی در طراحی مجتمع‌های مسکونی پرداخته است. این پژوهش به صورت برداشت میدانی و با استفاده از پیمایش اجرا گردیده است. ابزار سنجش پرسش‌نامه است. جامعه آماری شامل چهار مجتمع مسکونی در شهر شیراز و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۱۷ نفر برآورد شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS و نرم‌افزار Minitab انجام شد. نتایج در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی نشان داده شده است. نتایج حاکی از آن است که نقش و قابلیت‌های مؤلفه‌ها کالبدی، اجتماعی و ادراکی در طراحی مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است. همچنین کیفیت فضاهای باز در فراهم آوردن بستری مناسب برای برقراری ارتباط و تعاملات اجتماعی ساکنین است.

واژه‌های کلیدی

تعاملات اجتماعی، فضای باز، مجتمع‌های زیستی، فضای مشترک جمعی

* پژوهشگر دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه معماری، بوشهر، ایران. (مسئول مکاتبات). Email: nazanin.dehnad@gmail.com

**دکتری معماری، استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه معماری، بوشهر، ایران.

Email: Karimi.Samab@yahoo.com

مقدمه

را تعیین نمود، تا بتوان تعادلی بین محیط و رفتار ساکنین به وجود آورد.

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌ها به بررسی کلی درباره ویژگی‌های توسعه پایدار معماری و فضای باز مشترک مجموعه‌های مسکونی پرداخته‌اند. از دهه ۱۹۷۰ میلادی به دلیل بروز مشکلات اجتماعی، دیدگاه‌های فضای باز انسان‌گرا مورد نقد و بازبینی قرار گرفت، که نتیجه آنها ایجاد رفتارهای اجتماعی گسترده و تعامل انسان‌ها با یکدیگر بوده است. (Molesk, 2010 & Lang) خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد، نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد از جمله (جیکوبز، ۱۳۸۶؛ نیومن، ۱۳۹۴). آموس راپاپورت (۱۳۸۱) از برجسته‌ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسائل شهری توجه نشان داده است. او با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته است و حرکت در محیط را مهم‌ترین عامل شناخت محیط می‌داند. جان لنگ نیز به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. وی در اثر خود تحت عنوان «آفرینش نظریه معماری» به چگونگی دریافت آدمی از فضا عوامل محیطی تأثیرگذار را مطرح کرده است و تصورات مردم از محیط را در واقع نوعی طرح‌واره ذهنی می‌داند که به رفتارها و فعالیت‌های او در عرصه عمومی شکل می‌بخشد، اشاره کرده است (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹). در سال ۱۳۸۲ کتابی با عنوان «محیط و رفتار اجتماعی» نوشته «ایروین آلتمن» و ترجمه «علی نمازیان» به چاپ رسید، که در این کتاب رفتار اجتماعی انسان در ارتباط با محیط کالبدی او بررسی و نحوه استفاده افراد از محیط در روند تعامل اجتماعی، به ویژه بر حسب مفاهیم کلیدی خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام مطرح می‌شود (آلتمن، ۱۳۸۲). فضا و ابعاد مختلف فضای عمومی از دیدگاه دانشپور، از توان اجتماعی برخوردار است و در ارتقاء فرصت‌هایی برای حیات جمعی، در خلق یک فضای عمومی موفق مؤثر است (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۶). خصوصیات فعالیت‌ی و کالبدی با تأمین آسایش و امکان لذت بردن مردم از حضور در فضا تأثیرگذار است و فضایی به لحاظ تعاملات موفق‌اند که از تعامل پویا حمایت کند (Chaco, 2002). بهزادفر و ارسلان طهماسبی (۱۳۹۲)، رضازاده (۱۳۸۴) و عوامل مؤثر بر تعامل اجتماعی گل (Gehl, 2003) به ابعاد انسانی فضاهای عمومی توجه کرده‌اند و آن را عامل حضور مشتاقانه مردم می‌دانند. وایت (Whyte, 1980) یادمان‌ها، پله‌ها، آب‌نماها و سایر عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل را از جمله عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی را

اجتماعی شدن یک فرایند یادگیری و همچنین مبنای آزادی و فردیت انسان است. انسان که با جریان اجتماعی شدن، نوعی حس هویت شخصی، توانایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می‌کند، که از طریق انسان و فضای پیرامون انجام می‌گیرد (میراقتدایی، ۱۳۸۸). این فرایند، مسیر تکامل فرد و جامعه است (دسون، ۱۳۸۲). از این رو فضای باز مجموعه‌های مسکونی می‌تواند بستری برای فعالیت‌های انسانی باشد و رابطه‌ای متقابل بین محیط و ساکنین مجموعه‌ها را به وجود آورد. با افزایش اندازه و وسعت شهرها، تراکم و مدنیت، شهروندی و روابط اجتماعی تضعیف شده است و احساس جمعی و وابستگی‌های احساسی که در جوامع گذشته وجود داشته است در جوامع امروزی در حال ناپدید شدن است (Huffman, 2006). این در حالی است که فضای مشترک بین زیستگاه‌های سکونتی بستری مناسب برای ایجاد تعاملات و تقابل اجتماعی بوده است اما امروزه با کمبود و یا عدم کیفیت فضای باز مشترک در مجتمع‌های زیستی تعامل و تقابل اجتماعی، آرامش ساکنین و موقعیت‌هایی مثل رشد و خلاقیت بسیار کم‌رنگ شده است. مجتمع‌ها که زمانی قرار بود با قرارگیری در میان فضاهای سبز و زیبا و کم تراکم، به محیط‌هایی با کیفیت و بستری مطلوب برای تعاملات اجتماعی ساکنین ایجاد شود، به تدریج به مجتمع‌های آپارتمانی با تراکم بسیار بالا تبدیل گردیدند. نقش معماران به عنوان شکل‌دهندگان اصلی محیط مصنوع بسیار حائز اهمیت است. همچنین، ایجاد فضای باز و انعطاف‌پذیر، با افزایش کنترل ساکنین و تعیین حریم‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. از این رو، توجه معماران و طراحان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته شده افزایش یافته است و پژوهش‌های متفاوتی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضاهای ساخته شده بر ذهنیات و رفتار انسان، انجام پذیرفته است. بنابراین، امروزه نیاز ویژه به طراحی فضای باز در مجتمع‌های مسکونی به عنوان فضای مشترک جمعی، در بسیاری از گونه‌های مسکن برای رسیدن به تعاملات اجتماعی و امنیت ساکنین ضروری است. می‌توان با افزایش فضاهای باز نیمه‌خصوصی در طراحی فضاهای زیستی به افزایش تعامل و ارتباط افراد با یکدیگر کمک کرد و حس مالکیت و تعلق ساکنین را افزایش داد. همچنین، بین تعامل اجتماعی با محیط‌های باز و بسته مصنوع رابطه‌ای تنگاتنگ به وجود آورد. لذا، این پژوهش درصدد شناسایی پیوند عوامل و عناصر مشترک بین ساختار اجتماعی و کالبدی به عنوان عاملی برای ایجاد کیفیت فضای باز به عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی است. انتظار می‌رود با راهبرد انتخاب شده بتوان عواملی را که باعث ارتقاء ارتباط و کنش‌های اجتماعی در فضای باز مجتمع‌ها در بین ساکنین می‌گردد

همان‌گونه که یک فرد جدای از ارتباطات اجتماعی‌اش قابل‌بررسی جامع نیست یک فضای مسکونی نیز بدون ارتباط با سایر فضاها نمی‌تواند پاسخ کاملی به نیازهای انسان بدهد (Altman, 1992).

تعاملات اجتماعی

تعامل اجتماعی یک حیات جمعی است که فرصتی جهت رها شدن از تنش‌های زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت، تعاملات اجتماعی و گردهم‌آیی افراد و گروه‌های مختلف و بستری برای حضور و آزادی بیان و ابراز آنها در فضا است. با ترویج تعاملات اجتماعی جذب افراد و گروه‌های مختلف ایجاد فضایی فعال و سرزنده حیات جمعی در فضاهای باز عمومی افزایش می‌یابد (Whyte, 1980). تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها می‌شود. این واکنش‌ها برای هر دو طرف شناخته شده است. بنابراین رابطه بدون معنا در آن شکل نمی‌گیرد. تعامل اجتماعی خواه به صورت فیزیکی خواه به صورت یک نگاه و یا ایجاد مکالمه بوجود می‌آید، که افراد خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب می‌دانند که در نتیجه باعث نقش‌پذیری افراد در فضا و عضویت آنها در گروه‌های اجتماعی است و در نهایت در میان افراد و گروه‌های مختلف متفاوت است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶؛ بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲).

دستیابی به تعامل اجتماعی در سطوح مختلف از طریق روابط اجتماعی منسجم و پایدار همواره با حضور در فضای باز یا نیمه باز جمعی صورت می‌گیرد (لنگ، ۱۳۸۱). می‌توان گفت فضای باز در شکل‌گیری ملاقات‌ها و گفتگوها و انجام فعالیت‌های اجتماعی میان ساکنان مجتمع‌های مسکونی نیز نقش بسزایی دارد. مسئولیت‌طراح این است که موقعیت‌هایی را برای ساکنان فراهم سازد تا با آسایش بیشتر و با فرایند رشد جسمی و روانی انطباق یابند. طراحی فضای باز می‌تواند فرایند اجتماعی شدن، هماهنگی با محیط و آسایش ساکنان را ارتقاء بخشد یا تمامی این ایده‌ها را به شکست بکشاند (نوروزی، ۱۳۸۳).

عوامل تأثیرگذار بر ایجاد تعامل اجتماعی در فضاهای باز

عوامل اجتماعی: مکان‌های اجتماعی فرصتی است تا افراد باهم بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. فضاهای عمومی با دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه در مرحله نخست این فرصت را جهت ایجاد و برقراری کنش‌های اجتماعی ولو شکننده و ناپایدار در اختیار کلیه شهروندان قرار می‌دهند (Marcus & Sarkissian, 1986, 2). افراد نیز بر اساس نیاز خود، ارتباط‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و

می‌داند. پاکزاد (۱۳۸۳)، کاپلان (Kaplan, 1985). کیفیات کالبدی یک فضای عمومی را مدیون وجود عناصر طبیعی دانسته است که منجر به افزایش هیجان و سرزندگی محیط، امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌شود. ذبیحی و همکاران وی در سال ۱۳۹۰ میزان رضایت‌مندی از مجتمع مسکونی و تأثیر آن بر روابط انسان‌ها را بررسی کردند. نتایج ایشان تأکید می‌کند هر قدر احساس رضایت از یک مجتمع مسکونی بالا رود میزان تأثیرگذاری عوامل محیطی و کالبدی نیز افزایش می‌یابد. با توجه به تحقیقات ذکر شده، ویژگی‌های فضاهای خارجی مشترک در خانه‌سازی و یا فضاهای باز مشترک باعث می‌شود؛ ساکنین با یکدیگر تعامل بیشتری برقرار کنند. همچنین، کیفیت فضاهای عمومی در همسایگی در استفاده از فضاهای باز و تعاملات اجتماعی میان ساکنین تأثیرگذار است.

مبانی نظری پژوهش

مجموعه مسکونی و نقش فضای باز

محیط‌هایی که به عنوان فضای عمومی یا فضای مشترک میان بلوک‌های مجموعه‌های مسکونی قرار دارند متعلق به تعدادی زیادی خانواده می‌باشد که معمولاً مورد بی‌توجهی افراد قرار گرفته است (نیومن، ۱۳۹۴). این در حالی است که فضای باز در مجتمع‌های مسکونی در فراهم آوردن موقعیت‌هایی برای رشد خلاقیت، زمینه معاشرت، تعامل و تقابل اجتماعی و کاربری‌هایی همچون ایجاد ارتباط، آرامش، سرگرمی و مکانی برای گردش در کاهش آلودگی و بهبود محیط زندگی بسیار مؤثر است (رهروی پوده و رازقی، ۱۳۹۳). فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی حریمی مناسب بین فضاهای عمومی بیرونی و فضاهای زندگی به حساب می‌آید و بافاصله‌ای که ایجاد می‌نماید از اشراف به داخل فضاهای بسته جلوگیری می‌کند. همچنین، فضای باز نقش مهمی در ایجاد امنیت و عدم دسترسی راحت به فضاهای خصوصی را ایفا می‌کند. می‌توان به این نکته اشاره کرد نقش فضای باز مجتمع‌های مسکونی در وهله اول پاسخگویی به عملکردهاست (Francis, 2003). فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی به‌عنوان بخش‌هایی از محیط مصنوع می‌توانند به نیازهای اساسی استفاده‌کنندگان و ارتباط جمعی خود پاسخ می‌دهند و با جلب مردم به خود سبب ایجاد تعلق خاطر و سرزندگی محیط شوند که در خلق محیط مسکونی مطلوب نقش مهمی ایفا می‌کند. اما از آنجا که اغلب در برنامه‌ریزی و طراحی، بدون در نظر گرفتن گستره فضاهای جمعی ساکنان، صرفاً حجم‌هایی بدون توجه به نیاز کاربران خلق می‌شود، بیشتر فضاهای باز عمومی (جمعی) رضایت ساکنان را برآورده نساخته است و برای آنها محیط‌های ناخوشایند پدید آورده‌اند (Wen Liu, 2012).

حسی ما از دنیای پیرامون مستلزم بازشناسی و شناخت محرک‌های محیطی و نیز اقدامات واکنشی به محرک‌هاست. از طریق فرایند ادراکی، درباره عناصر محیطی که برای بقای انسان جنبه حیاتی دارند، اطلاعات به دست آورده می‌شود. ادراک نه تنها تشکیل‌دهنده تجربه از دنیای پیرامون است بلکه به انسان اجازه می‌دهد، که درون محیط به فعالیت و عمل بپردازد، و از آنجا که نیاز به ادراک یک مفهوم انگیزشی است، مستلزم حرکات خاصی برای برآورده شدن آن است و تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می‌گیرند، که همان فعالیت است (پاکزاد، ۱۳۸۶). در ادامه تعاریف مفاهیم و کاربرد معیارهای مؤثر در فضای باز بر ایجاد تعامل اجتماعی آورده شده است (جدول ۱).

چهارچوب نظری پژوهش

مؤلفه‌های مؤثر بر عوامل کالبدی و اجتماعی همواره مورد توجه کاربران محیطی بوده است؛ تا حدودی در نظریات افرادی همچون جیکوبز (۱۹۹۳)، لینچ (۱۳۸۷) و فیالکوف دیده می‌شود. لینچ تجربه جمعی افراد را که از وجوه مشترک اجتماعی ناشی می‌شود، عامل مهمی در شکل‌گیری نظام حرکتی در فضای باز می‌داند و نظام حرکتی را عامل انسجام‌بخشی به ساختار فضایی شهر در نظر می‌گیرد. جیکوبز مرزهای کالبدی را عامل از بین رفتن انسجام کالبدی و به طبع آن انسجام اجتماعی می‌داند، او معتقد است پیوستگی ساختار فضایی می‌تواند سمبل پیوستگی اجتماعی افراد در فضای باز باشد. بنابراین اندیشمندان در نظریات خود به بیان شاخص‌های کیفی و سنجش مؤلفه‌های اجتماعی و کالبدی در فضای باز تأکید می‌کنند؛ در مطالعات، اندیشمندان مدلهایی را برای بیان مفاهیم مشترک تدوین کرده‌اند که می‌توان با رویکردهای موجود میان مدل‌های ارائه‌شده، امکان‌ات و محدودیت‌های هر یک از مدل‌ها مشخص گردد. از این رو رویکرد پژوهش حاضر در ارتباط با این مفاهیم در نظریات آنها نشأت می‌گیرد. در این پژوهش نخست پنج مدل «دانلد ایلپلارد»، «جان لنگ»، «دیوید کانتر»، «جان پانتر» و همچنین مدل «کارمونا» مورد مطالعه قرار گرفته است. که با بهره گرفتن از نقاط قوت مدل‌های مزبور، با توجه به نظریه مکان پایدار کانتر فعالیت و تصور ذهنی افراد بنیان نظری کارآمد و قابل توجهی در طراحی محیط است. مدل کارمونا نیز مؤلفه‌هایی همچون مؤلفه‌های اجتماعی را در بر گرفته است. مدل جان لنگ نیازهای شناختی در کالبد محیط و رفتار فضایی، را به‌عنوان فرایندهای بنیادین رفتار انسان یاد کرده را در برگرفته و مدل ایلپلارد نیز برحسب ارتباط با یکی از حالت‌های ادراکی انسان است، را مطرح کرده است. مدل‌های مطرح‌شده به رابطه عملیاتی میان انسان و محیط

بر اساس توقعات، هنجارها و نقش‌های معین، به آن اشتغال می‌یابند چگونگی ارتباطات اجتماعی و حضور خود در مکان را مورد مجادله قرار می‌دهند (همان). از جمله نیازها، امکان مشاهده و نظارت دیگران و همچنین اتفاقات و رویدادهای پیرامون را اشاره کرد که عوامل تعیین‌کننده در میزان پاسخگو بودن فضا است. در کنار آن نیاز انسان به پیچیدگی و امکان کشف فضا می‌تواند؛ توسط خلق فضاها و منظرهای متنوع، فعالیت‌های گوناگون با هدف تأمین تنوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان از فضا به وجود آید (Car, 1992). احساس نیاز به برای برقراری تعامل اجتماعی بین فردی و فرا فردی، منجر به حضور بیشتر استفاده‌کنندگان در فضاهای عمومی و در نتیجه افزایش تعداد تعاملات صورت گرفته و همچنین بالا رفتن اجتماع‌پذیری فضا می‌شود (آلمن، ۱۳۸۲). فعالیت در فضای باز مناسب موجب تعامل فضاهای کالبدی به لحاظ معماری و روانی در استفاده‌کنندگان حاصل می‌شود که این همنشستی، نتیجه هم‌ساختی و هم‌زیستی بین کالبد فضای عمومی و رفتارهای بین فردی یا فوق فردی است که با همبستگی مشروط بین این دو عامل‌های روانی و اجتماعی بهره‌برداران از فضا تعیین می‌شود (Steele, 1981).

عوامل کالبدی: کیفیت کالبدی یک فضای عمومی با نحوه دسترسی، موقعیت، آسایش فیزیولوژیکی در شرایط مختلف اقلیمی و امنیت در رابطه است. علاوه بر این، وجود عناصر طبیعی در فضاهای عمومی که سبب افزایش هیجان و سرزندگی محیط و دعوت عابری به این فضاها و امکان استراحت، تجارب خوشایند و سلامت بیشتر برای مردم می‌گردند، نیز بسیار حائز اهمیت است (Kaplan, 1985). عوامل مؤثر در تشویق انسان‌ها به حضور و تعامل در فضا در زمره عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جنبه‌های کالبدی فضاهای عمومی محسوب می‌شوند (Whyet, 1980). بدین منظور لازم است امکان‌ات کالبدی و تراکم جمعیتی مناسب برای برقراری ارتباط بین گروه‌های مختلف سنی جامعه، تعامل اجتماعی و فعالیت‌های جمعی در محدوده توانایی‌های افراد مورد بررسی قرار گیرد. تعداد افراد ساکن و تعداد افراد استفاده‌کننده از هر وسیله یا پدیده در محیط‌های مسکونی، به عبارت دیگر، تخصیص مقدار کافی امکان‌ات هماهنگ با جمعیت ساکن در مجموعه‌های مسکونی می‌تواند در تنظیم برخوردهای اجتماعی مؤثر باشد. کیفیت طراحی کالبدی و فضایی نیز می‌تواند در ادراک فضا به‌عنوان کل و در نتیجه تأثیر مطلوبی بر ادراک انسان داشته باشند (پاکزاد، ۱۳۸۳). ادراک محیطی: نحوه ادراک یا دریافت مکان توسط فرد نیست، بلکه مفهومی ارزشی و چند بعدی است که به شناسایی نمادین و عاطفی فرد نسبت به مکان مربوط می‌شود (Stefanovic, 1998). تجربه

جدول ۱. مفاهیم و کارکرد معیارهای مؤثر بر ایجاد تعامل در فضاهای باز از دیدگاه صاحب‌نظران

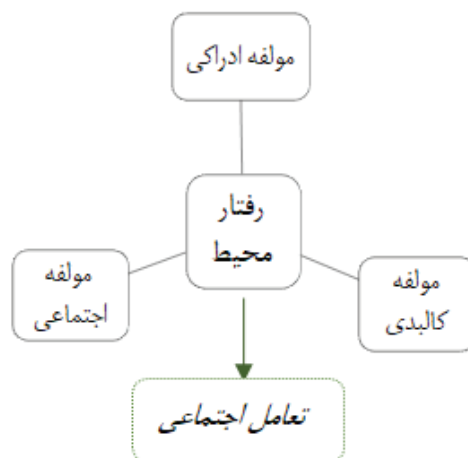
معیار	مفاهیم و کارکرد
مؤلفه‌های اجتماعی	<p>فعالیت و ارتباطات جمعی</p> <p>مشخصات کارکردی فضاهای عمومی کیفیت و کمیت جذب مردم برای توقف و تعامل در فضاها، وجود فضاهای کافی جهت نشستن و وقوع رویدادهای خاص در فضا، هنرهای عمومی، رخدادهایی، موقعیت‌هایی جهت برقراری ارتباط بین مردم و تمایل به گفتگو بین آنها ایجاد می‌گردد (Whyte, 1980)، توجه به سن، تأمین‌کننده نیازهای آسایش فیزیولوژیکی و ذهنی، استراحت، اشتغال فعال نیاز مبتنی بر تماس مستقیم مردم با محیط فعالیت‌های گوناگون باهدف تأمین تنوع، جاذبه و تجارب گوناگون و ایجاد حرکت در بازدیدکنندگان فضا، زیبایی بصری و ابعاد زیباشناسانه (تأمین جاذبه‌های بصری و مطلوبیت کالبدی و حسی) ایجاد می‌کند (Car, 1992).</p>
	<p>ارتباط اجتماعی</p> <p>گفت‌و شنود و دیدار، آموشد، مراسم عمومی بازی (نسبی، ۱۳۸۵)، ورزش و تفریح. عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت، فرصتهای برابر و توأم با پیشرفت برای تمامی انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصتهایی برابر برای افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی برای پیشرفت انسان‌هاست (Tuan, 2001).</p>
	<p>تنوع و سازگاری</p> <p>فضای عمومی در سازگاری نیازهای متنوع؛ خصلت‌های ساکنین مجموعه‌های زیستی و فعالیت‌های آنها می‌باشد (Wheeler, 2004). تطابق با نیازهای گروه‌های سنی و جنسی مختلف، قابلیت استفاده در ساعات مختلف شبانه‌روز، امکان استفاده در شرایط مختلف جوی و اشکال فضایی مختلف است (Biddulph, 2007). سازگاری و هماهنگی هر چه بیشتر عوامل انسانی و محیطی، ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها با زندگی اجتماعی فراهم می‌آورد (Rapoport, 1990).</p>
	<p>جلوه بصری و محیطی</p> <p>تأثیر جلوه‌های بصری و محیطی با ادراک شکل بصری در مقیاس سایت و کیفیت محیطی، وجود مؤلفه‌های مهم در ادراک ساکنین در ارتباط با عملکردهای محیطی، مطالعات، طراحی مسکن، کیفیت بصری طرح‌ها و جذابیت ساختمان‌ها را به‌عنوان عامل مهم تأثیرگذار و نشان بر رضایتمندی ساکنین دارد (Biddulph, 2007).</p>
مؤلفه‌های کالبدی	<p>قابلیت انعطاف‌پذیری</p> <p>طراحی محیط که تنها متناسب با یک فعالیت، سختی پاسخگوی فعالیت‌های دیگر، با توجه به هم‌کاربری در طول زمان و مسیر، طراحان به دنبال طراحی با ساختارهایی مختلف محیطی، کاربری‌های مختلف و مناسب، فراهم آوردن تفسیرهای متفاوت و تغییر مداخلات موردی هستند (Voordt & Wegen Herman, 2005, 2).</p>
	<p>سرزندگی</p> <p>حضور افراد و تبادل فعال آنها با دیگر ساکنان پیوند جاذبه نسبی، تعلق خاطر، خوانا کردن و هویت بخشی به فضاها، سرزنده وجود فضاهای عمومی است (بنتلی، ۱۳۸۲). ویژگی‌های کالبدی محیط فضاهای سبز و عناصری با المان‌های جذاب معماری، تأثیر محیطی آنها را در پی دارد (Voordt & Wegen Herman, 2005, 2).</p>
	<p>خوانایی</p> <p>نشانه‌های ادراک‌شده بصری محیط: خوانایی، درک و سازمان‌دهی درزمینه مسکونی در یک الگوی منسجم، آسانی و تسهیل، وضوح یا خوانایی محیط بیرونی به‌عنوان یک کیفیت بصری خاص در محیط، کیفیت‌ها و موقعیت ساختمان‌ها، زمین، فعالیت‌ها و اجسام زنده می‌باشد (Wheeler, 2004). ارتباط با نحوه سیرکولاسیون، ارتباطات فضایی بین محیط و انسان، دسترسی با قابل‌رؤیت بودن فضا، نحوه دستیابی به فضا را داشته باشد (دانشپور و چرخیان، ۱۳۸۶).</p>
مؤلفه‌های ادراکی	<p>سلسله‌مراتب</p> <p>سلسله‌مراتب اصول اساسی حاکم بر مجموعه‌ها و اجزاء تشکیل‌دهنده آنها، شبکه‌هایی از سلسله‌مراتب حریمیت، سلسله‌مراتب از فضای عمومی محله تا فضاهای خصوصی مجتمع‌های مسکونی، وجود مکان در قلمرو افرادی خاص، امنیت مجتمع نشان‌دهنده امنیت نظارت توسط ساکنین است (طیبیان، چریگو و عبدالهی مهر، ۱۳۹۱).</p>
	<p>حریم و قلمرو</p> <p>کنترل قلمرو از طریق در اختیار گرفتن فضا توسط محدوده‌ای خاص، وجود فضاهای باز خصوصی مجموعه، نیمه‌خصوصی در مشاع داخلی و خارجی ساختمان‌های مسکونی است (Cooper Marcus & Wendy, 1986, 2). ارتباط بین قلمرو محیطی یا محلی در خانه‌سازیهای انبوه و گسترش حس مالکیت و تعلق ساکنان دیده می‌شود (عامری سیاهیویی، ۱۳۸۷).</p>
	<p>ایمنی و امنیت</p> <p>عوامل انسانی و محیطی که با تأثیر مستقیم بر برنامه‌ریزی و طراحی این مجموعه‌ها، در ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها، احساس امنیت مردم در فضاهای عمومی، آسایش، شکل و فرم اجزاء، جنس مصالح و قابل‌استفاده بودن برای افراد مختلف در ایجاد امنیت (میر مقتدایی، ۱۳۸۸). سازگاری و هماهنگی با عوامل انسانی و محیطی باعث امنیت محیطی می‌شود (Rapoport, 1990).</p>
مؤلفه‌های ادراکی	<p>حس تعلق</p> <p>مکان و امکان رخداد یک رابطه اجتماعی و تجربه مشترک میان افراد، در نتیجه شکل‌دهی به احساس تعلق و دلبستگی است (پاکزاد، ۱۳۸۸). احساس تعلق اجتماعی مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت، رابطه شناختی فرد یا جمع با یک محیط را ایجاد می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵).</p>
	<p>هویت</p> <p>شکل‌گیری هویت تعلق بین ارتباط هویتی فرد به محیط اجتماعی و احساس تعلق خاطر به مجموعه‌های مادی و معنوی (رضازاده، ۱۳۸۴). تأثیر دل‌بستگی به فضا در ایجاد روابط اجتماعی و هویت جمعی؛ اهمیت فرایندهای اجتماعی در ایجاد تعلق مکانی بیش از کیفیت کالبدی از عوامل ایجاد حس مکان رمزگشایی معانی و مفاهیمی پس از ادراک مکان توسط فرد. (Scannell & Gifford, 2009,2).</p>

مسکونی در ایجاد تعاملات اجتماعی تدوین شد. جامعه آماری در این تحقیق متشکل از چهار مجتمع مسکونی پایگاه، معالی آباد، کوثر و مبعث واقع در شهر شیراز، بر اساس برخورداری از زیرساخت‌هایی چون فضای باز، فضاهای گوناگون جمعی با اصالت و هویت‌های مختلف به لحاظ سرزندگی، پویایی، خوانایی و فعالیت‌پذیری بر اساس رفتار محیط و میزان استفاده کاربران از فضای باز در ایجاد تعامل اجتماعی انتخاب شدند. دو مجتمع مبعث و کوثر واقع در منطقه یک شهرداری شهر شیراز است، که سابقه ساخت آنها در دهه ۸۰ هجری شمسی با توجه به پتانسیل‌های مناسب این منطقه انتخاب شدند و دو مجتمع معالی آباد و پایگاه در دهه ۵۰ هجری شمسی به ترتیب در منطقه شش و هفت شهرداری شیراز ساخته شده است انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۲۱۷ نفر به دست آمد. طی فرایند مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه سعی شد تا در نمونه آماری از تمام اقشار سنی، جنسی سؤال پرسیده شود. سؤالات طرح‌شده با زبانی ساده مطرح شد و نتایج حاصل نشان‌دهنده معیارهایی است که برای مردم بسیار ارزشمند است و در ادراک از فضای باز و ایجاد تعامل اجتماعی و برداشت آنان از محیط شهری تأثیر بسزایی دارد پرسش‌نامه‌ها با به روش خوشه‌ای تصادفی بین ساکنین این مجتمع‌ها توزیع گردید. اعتبار ابزار سنجش این تحقیق (پرسش‌نامه) از طریق اعتبار محتوایی و اعتبار صوری با مراجعه به اساتید و دریافت اتفاق نظر آنان در مورد شاخص‌ها به دست آمده است. پایایی پرسش‌نامه نیز با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. در این تحقیق آلفای

توجه داشته‌اند از آنجاکه باهم بودن و تعاملات اجتماعی، یکی از موارد مهم و ضروری در زندگی جمعی است و شکل‌گیری آن وابسته به ادراک اجتماعی و پاسخ به رفتار محیط است. با اقتباس از نظریه‌های، نظریه‌پردازان در راستای عوامل اجتماعی، عوامل کالبدی و ادراک محیطی برای برآوردن نیازها و رفتارهای انسانی در محیط سه مؤلفه را در این پژوهش مطرح شد، نخست؛ مؤلفه ادراک به‌عنوان عوامل هدایت‌گر رفتار انسان، از یک‌طرف به باورها، نگرش‌ها، ترجیحات و دیگر جنبه‌های شخصیتی ویژه افراد، وابسته هستند. دوم؛ مؤلفه اجتماعی که ارتباط، فعالیت‌پذیری و حضور افراد در آن اتفاق می‌افتد و سوم؛ مؤلفه کالبد است که تحت تأثیر محیط و رفتار، هماهنگی و پیوستگی که وابسته به ادراک انسان است. از این‌رو به تدوین یک چارچوب نظری برای تبیین نقش طراحی فضای باز مطلوب سکونتگاه مسکونی در راستای ایجاد تعاملات اجتماعی به جمع‌بندی مدل‌ها پرداخته است. که در نهایت با معرفی مدل مفهومی مطابق شکل ۱ برای این پژوهش پیشنهاد می‌گردد، تا بتوان از آن در شناسایی فضاهای مطلوب بهره برد.

روش‌شناسی

در این پژوهش به‌صورت برداشت میدانی و با استفاده از پیمایش و در سال ۱۳۹۴ اجرا گردیده است. ابزار سنجش پرسش‌نامه است. پس از مطالعه و تعیین مفاهیم مندرج مطرح‌شده و تعاریف نظری و عملیاتی دو پرسش‌نامه برای بررسی مفهوم نقش فضای باز مجتمع‌های



شکل ۱. مدل مفهومی مؤلفه‌های مؤثر بر نقش فضای باز مطلوب سکونتگاه مسکونی در ایجاد تعامل اجتماعی

به‌دست‌آمده برای متغیر تعاملات اجتماعی ۰/۸۴ و در سطح بالا است. برای بررسی فرضیه‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای آماری SPSS و Minitab استفاده شد. جهت بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های تحلیل واریانس و آزمون خی دو استفاده شد.

بم‌ت و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با توجه به مفاهیم گفته‌شده در قسمت مبانی نظری و

جدول ۲. معیارهای راهبردی بر تحلیل فضای باز و ایجاد تعامل اجتماعی

مؤلفه	معیار	شاخصه	سنجه
عوامل فعالیتی و ارتباطات جمعی	روابط اجتماعی انسجام‌یافته همبستگی اجتماعی میان افراد (Mumford, 1970)	- همیاری - همزیستی و مشارکت - جمعی در فضاهای شهری	- میزان میل به برقراری ارتباطات اجتماعی و شکل‌گیری گروه‌های دوفنره و بیشتر - میزان فعالیت جمعی و داوطلبانه - میزان تعهدات اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر
	زندگی همگانی (Gehl, 2003)	- تعامل انسانی - عرصه عمومی (فضای میان ساختمان‌ها)	تعداد افراد حاضر در فضا و اندازه ارتباط آنها با محیط برقراری روابط اجتماعی با دیگران
مؤلفه‌های اجتماعی	فعالیت‌های فردی فعالیت‌های جسمی	- حضور افراد در عرصه همگانی - تعامل با آشنایان و بیگانگان در عرصه همگانی	- تعداد افراد در حال برقراری روابط اجتماعی با دیگران - تعداد افراد مشغول به فعالیت‌های جسمی - افزایش قابلیت محیط در جذب فعالیت‌های مختلف
	فعالیت‌های ضروری فعالیت‌های اجتماعی (لنگ، ۱۳۸۶)	- نیازهای افراد - کیفیت محیط - حضور و مشارکت افراد در فضا	- تعداد افراد در حال فعالیت و استفاده از فضا - تعداد افراد حاضر در فضای باز جمعی - میزان استفاده کنندگان از فضا
جلوه بصری و محیطی	انسجام و پیوستگی میان عناصر و فضاهای باز (Trancik, 1986)	- شبکه ارتباطی منسجم برای اتصال فضاهای باز به یکدیگر - اتصال و ارتباط منسجم توده و فضا	- عدم وجود فضاهای و بی‌شکل در میان توده‌های ساختمانی - فرم، شکل و نوع مفصل‌های ارتباطی میان توده و فضا - ابعاد و تناسبات و مقیاس‌های مختلف عملکردی
تنوع و سازگاری	برقراری تعامل اجتماعی (لینچ، ۱۳۸۷)	- حضور افراد در فضای شهری - فعالیت‌های جمعی - شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی	- تعداد افراد حاضر در محیط - وجود قابلیت‌های فضایی و کالبدی برای فعالیت‌های جمعی - افزایش امکانات و تسهیلات رفاهی
	کنش‌های متقابل اجتماعی (لینچ، ۱۳۸۴)	- تعامل و تقابل اجتماعی - تفکیک عملکردهای مختلف فضای باز	- حفظ وحدت و پیوستگی - ایجاد فضاهای سرگرم‌کننده - ایجاد فضاهای با هم‌بودگی و زمینه‌مشارکت ساکنین
	فعالیت‌های انتخابی (Gehl, 1987)	- به‌صورت فعال - تنوع و جذابیت عملکردی	- کیفیت دعوت‌کنندگی فضا - رابطه میان فعالیت و فضا

ادامه جدول ۲. معیارهای راهبردی بر تحلیل فضای باز و ایجاد تعامل اجتماعی

مؤلفه	معیار	شاخصه	سنجه
مؤلفه‌های کالبدی	خوانایی	ویژگیهای زیباییشناختی (Mumford, 1970)	- ارزش‌های فرمال بصری در اجزا و عناصر فضا - تداوم و پیوستگی جداره‌های شکل‌دهنده به فضا - وجود فرم‌ها، ریتم‌ها و تناسبیات تکرار شونده در اجزای و ابعاد فضا - فروبندی روشن‌بین فضای خصوصی و عمومی - پیوسته مورد استفاده قرار گرفتن، چشم ناظر - دسترسی به فضا، مسیر و فرصت جابه جایی
	قابلیت انعطاف‌پذیری	نظریه و زمینه (Trancik, 1986)	- ارتباط میان توده ساختمانی و فضای باز - پیوستگی و هماهنگی جداره‌ها - تناسب مصالح هماهنگ در جداره‌های فضا - نفوذپذیری و افزایش دعوت‌کنندگی
	سلسله‌مراتب و امنیت	امنیت نظم و هماهنگی (Jacobs, 1993)	- یکپارچگی عملکردی فضا - هماهنگی میان فرم، ابعاد و عملکرد فضا - وجود سلسله‌مراتب در شبکه‌های ارتباطی - امکان نظارت، کنترل و دسترسی در فضاهای باز جمعی - افزایش پیوستگی و یکپارچگی فضایی - وجود سلسله‌مراتبی از فضاهای شهری در مقیاس‌های مختلف - کاهش آسایش حرکتی سواره و پیاده
مؤلفه‌های ادراکی	حرم و قلمرو	قلمرو (لینچ، ۱۳۸۷)	- چیدمان و ساماندهی فرم و اجزاء - وجود قابلیت‌های کالبدی و عملکردی برای استفاده‌های جمعی گوناگون با حیطه‌های فضایی و زمان مشخص
	حس مکان	هویت‌یابی و اصالت	- حافظه جمعی - هویت جمعی
		ارزش ابعاد ادراکی	- افزایش نشانه‌ها و خوانایی محیط به منظور تسهیل ادراک
مؤلفه‌های ادراکی	تعلق خاطر (Mumford, 1970)	- حس تعلق جمعی - تصور پذیری - حس مکان	- وجود نشانه‌های قابل درک و خاطره‌انگیز - وضوح فضایی برای درک معنا - نیاز و انتظار استفاده‌کنندگان از فضا در طول زمان - ادراک حسی و درک معنایی فضا - فضاهای رمزگشایی و شناسایی شده توسط نمادها، نشانه‌ها و عناصر پیونددهنده با گذشته - حس تعلق به گروه در ایجاد پیوندهای اجتماعی - رابطه حس تعلق و جنبه‌های شناختی انسانی - حس دل‌بستگی به مکان

گذشت معالی‌آباد که باکیفیت مطلوبی ساخته شده است و به دلیل دسترسی، دید مناسب، نحوه استقرار مناسب و نزدیکی به مکان‌های جمعی وجود سلسله‌مراتب و انعطاف‌پذیری در فضا قابلیت توجه دارد، ولی به دلیل مراقبت‌های نامطلوب، عدم امنیت و فعالیت‌های انتخابی، گسستگی فضای باز مطلوب نبود فضای جمعی این مجتمع کمتر مورد توجه است. چهارم، مجتمع پایگاه واقع در بلوار مدرس در شهر

به طراحی مناسب فضای باز جمعی و عدم همبستگی اجتماعی میان افراد و تعامل انسانی دارای امنیت و کیفیت پایین است. دوم، مجتمع کوثر (قم‌آباد) در خیابان قصرالدشت شیراز باکیفیت و امنیت مناسبی ساخته شده است. وجود پیوستگی کالبدی-فضایی، انسجام اجتماعی و فرهنگی، تنوع و سازگاری، دید مناسب و تعادل در میزان طبقات در این مجتمع مورد توجه است. سوم، مجتمع معالی‌آباد واقع در خیابان

آزمون اول: تحلیل واریانس، در مجتمع‌های زیستی و فضای باز در ایجاد تعاملات اجتماعی

در آزمون تحلیل واریانس میانگین تعاملات اجتماعی در بین چهار مجتمع مسکونی مختلف باهم مقایسه می‌شود تا مشخص شود که آیا تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی مختلف باهم تفاوت معنی‌دار دارد یا خیر. برای انجام این بررسی دو متغیر در نظر گرفته شد؛ نخست، متغیر تعاملات اجتماعی که از مجموع ۴۰ سؤال پرسش‌نامه یک محاسبه شده است و به صورت یک متغیر کمی با مقیاس فاصله‌ای در SPSS تعریف شده است. دوم، یک متغیر تحت عنوان مجتمع مسکونی تعریف شده است، که یک متغیر طبقه‌ای و دارای چهار رده است و هر کدام از مجتمع‌های مسکونی را مشخص می‌کند. در تجزیه و تحلیل‌های آماری، زمانی که میانگین یک متغیر کمی در بین سطوح یک متغیر کیفی باهم مقایسه می‌شود از آزمون تجزیه و تحلیل واریانس آنوا استفاده می‌گردد.

در اجرای این آزمون تعاملات اجتماعی تحت عنوان متغیر وابسته و متغیر مجتمع مسکونی تحت عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. برای اجرای تحلیل واریانس ابتدا پیش فرض نرمال بودن متغیر وابسته تعاملات اجتماعی با استفاده از رسم هیستوگرام در شکل ۲ بررسی شده است. تطابق هیستوگرام داده‌ها با منحنی زنگوله‌ای شکل نرمال نشان داده شده است و پی فرض برابری واریانس‌ها در روند اجرای تحلیل واریانس مورد بررسی قرار گرفته است.

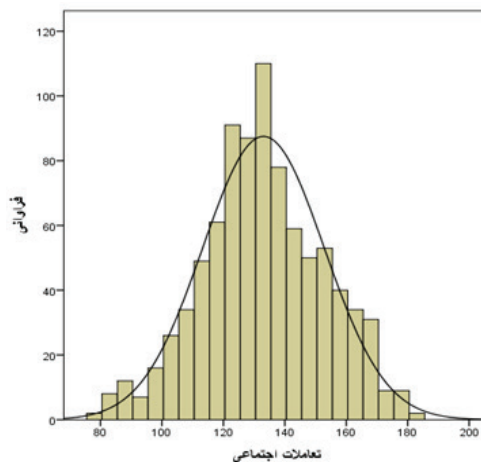
اولین خروجی تحلیل واریانس از آمارهای توصیفی متغیر وابسته تعاملات اجتماعی، به تفکیک سطوح متغیر مستقل، مجتمع‌های مسکونی در جدول ۳ نشان داده شده است. با توجه به آمار توصیفی ارائه شده میانگین تعاملات اجتماعی در مجتمع مسکونی کوثر بالاتر از سایر مجتمع‌های مسکونی است. در شکل ۳ تغییرات میانگین تعاملات

شیراز که به لحاظ امنیتی، تعلق اجتماعی، هویت جمعی، سلسه مراتب و رعایت حریم‌ها مورد توجه است ولی با وجود طراحی مناسب و ایجاد فضای جمعی به دلیل ناپیوستگی‌های کالبدی، فضایی و عدم توجه و رسیدگی مورد توجه کاربران قرار نگرفته است و رفتار محیطی مناسبی در این مکان وجود ندارد. با توجه به اینکه نیاز به تعامل اجتماعی با ساختاری مناسب در زندگی امروزی بسیار کم‌رنگ شده است. استفاده و نگهداری مناسب از فضاهای باز مورد نیاز جامعه امروزی است که باید آن را خلق کرد. که بر این اساس در جدول ۲ موارد ذکر شده جهت سنجش ساکنین جمع‌بندی شده است.

از این‌رو به تحلیل فرضیه اصلی پژوهش با سه آزمون تحلیل در مجتمع‌های زیستی و فضای باز در ایجاد تعاملات اجتماعی پرداخته شده است. نتایج از حاصل پاسخ با ساکنین مجتمع‌ها از ۲۱۷ پاسخگو مجتمع مسکونی پایگاه ۸۶ نفر مرد و ۱۳۱ نفر زن، از ۲۱۷ پاسخگو مجتمع مسکونی معالی آباد ۸۹ نفر مرد و ۱۲۰ نفر زن، از ۲۱۷ پاسخگو مجتمع مسکونی کوثر ۹۳ نفر مرد و ۱۲۴ نفر زن و از ۲۱۷ پاسخگو مجتمع مسکونی مبعث ۹۵ نفر مرد و ۱۲۱ نفر زن می‌باشند. گستره سنی جمعیت مورد مطالعه در مجتمع مسکونی پایگاه ۱۳ تا ۷۵ سال، در مجتمع مسکونی معالی آباد ۱۳ تا ۷۹ سال، در مجتمع مسکونی کوثر ۱۵ تا ۷۹ سال و در مجتمع مسکونی مبعث ۱۴ تا ۷۹ سال است. بر اساس معیارهای مورد نظر و میزان استفاده کاربران از فضای باز جمعی در مجتمع‌ها و تعداد پاسخگویان به بررسی فرضیات پرداختیم.

بررسی فرضیه‌های پژوهش

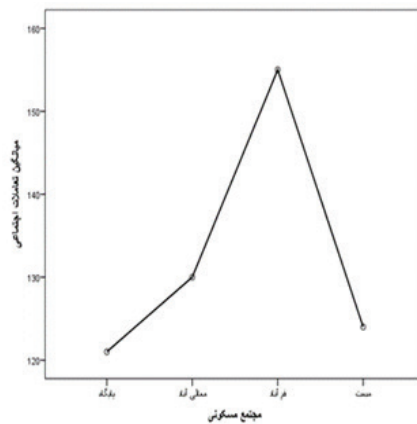
فرضیه اصلی این پژوهش با استفاده از سه آزمون مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.



شکل ۲. توزیع فراوانی تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی

جدول ۳. آماره‌های توصیفی، متغیر وابسته تعاملات اجتماعی

نام مجتمع‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین تعاملات اجتماعی		حداقل	حداکثر
				حد پایین	حد بالا		
پایگاه	۲۱۷	۱۲۱	۱۶	۱۱۸	۱۲۳	۷۸	۱۶۴
معالی آباد	۲۱۷	۱۳۰	۱۲	۱۲۹/۰۶	۱۳۲	۹۹	۱۶۳
کوثر	۲۱۷	۱۵۵	۱۱	۱۵۴/۰۹	۱۵۷	۱۲۷	۱۸۳
مبعث	۲۱۷	۱۲۴	۱۵	۱۲۲	۱۲۶	۸۴	۱۶۲
کل	۸۶۸	۱۳۳/۰۴	۱۹	۱۳۱	۱۳۴	۷۸	۱۸۳



شکل ۳. میانگین تعاملات اجتماعی در چهار مجتمع مسکونی

می‌شود. بنابراین نمی‌توان از خروجی اصلی تحلیل واریانس در جدول زیر استفاده کرد و به‌جای آن‌ها از معادل ناپارامتری آن یعنی کروسکال والیس استفاده می‌شود. در جدول ۵ خروجی کروسکال والیس نشان داده شده است که، با توجه به اینکه مقدار معناداری کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است فرضیه صفر رد می‌شود. رد شدن فرض صفر بدین معنی است

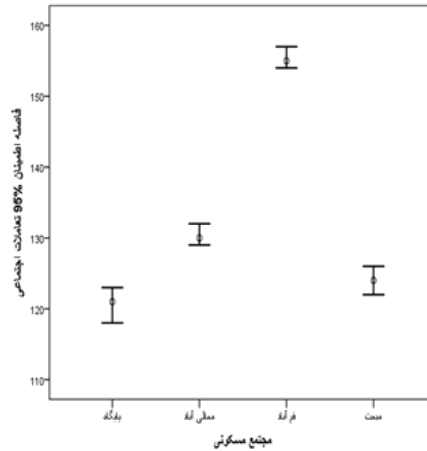
اجتماعی بین ۴ مجتمع به‌صورت واضح‌تری نشان داده شده است. که براین اساس مورد آزمون قرار می‌گیرد. آزمون لون جهت بررسی همگنی واریانس‌ها استفاده شده است. در جدول ۴ با توجه به مقدار معناداری آزمون لون مشاهده می‌شود که این مقدار کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر برابری واریانس‌ها رد می‌شود و پیش‌فرض تحلیل واریانس نقض

جدول ۴. آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها

آماره لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	مقدار معناداری
۷	۳	۸۶۴	۰/۰۰۰

جدول ۵. آزمون کروسکال والیس

آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار معناداری
۴۰۸	۳	۰/۰۰۰



شکل ۴. فاصله همپوشانی و اطمینان تعاملات اجتماعی در چهار مجتمع مسکونی

و پایگاه با همدیگر تفاوت معنی‌دار دارد. در شکل مشاهده می‌شود بیشترین همپوشانی برای مبعث و پایگاه است.

که میانگین تعاملات اجتماعی در بین ۴ مجتمع با همدیگر تفاوت معنی‌دار دارند.

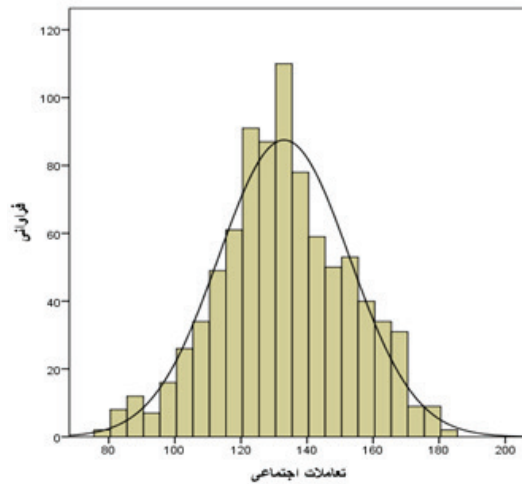
آزمون دوم: تحلیل واریانس، در مجتمع‌های زیستی و فضای باز در ایجاد تعاملات اجتماعی

در شکل ۴ تحت عنوان شکل خطی خطا یا ستونی خطا رسم شده است. در این شکل فاصله اطمینان‌های ۹۵٪ برای میانگین تعاملات اجتماعی به تفکیک ۴ مجتمع رسم شده است. برای هر کدام از فاصله اطمینان‌ها که همپوشانی وجود دارد، نشان‌دهنده این موضوع است که، دو گروه باهم تفاوت معنی‌داری ندارند و میانگین تعامل اجتماعی آنها باهم برابر است. اما اگر باهم همپوشانی نداشته باشند، نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار در بین آنها است. در شکل مشاهده می‌شود که فاصله اطمینان تعاملات اجتماعی در مجتمع کوثر با هیچکدام از مجتمع‌های دیگر همپوشانی ندارد. بنابراین میانگین تعاملات اجتماعی در مجتمع کوثر با سایر مجتمع‌ها تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین میانگین تعاملات اجتماعی در بین تمام مجتمع‌های مسکونی به‌جز برای مبعث

در آزمون دوم متغیّر تعاملات اجتماعی و متغیّر میزان استفاده از فضای باز را در نظر گرفته می‌شود. در واقع هدف، بررسی ارتباط بین میزان استفاده از فضای باز و تعاملات اجتماعی است. با توجه به این که میزان استفاده از فضای باز در پرسش‌نامه به‌صورت یک متغیّر رتبه‌ای با سه طبقه کم، متوسط و زیاد تعریف شده است جهت بررسی ارتباط بین این دو متغیّر از آزمون آنوا استفاده شده است. آماره توصیفی آن در جدول ۶ قابل مشاهده است. متغیّر تعاملات اجتماعی به‌عنوان متغیّر وابسته و متغیّر میزان استفاده از فضای باز به‌عنوان

جدول ۶. آمار توصیفی میانگین تعاملات اجتماعی

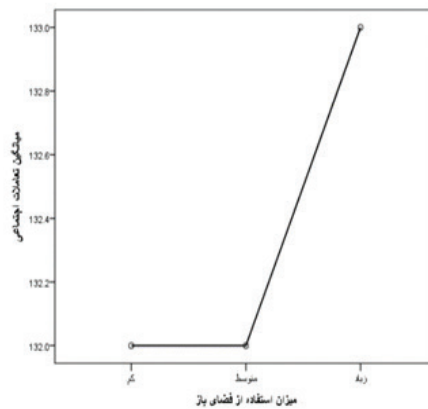
آمار توصیفی	تعداد	میانگین	انحراف	فاصله		حد اکثر
				حد پایین	حد بالا	
کم	۱۳۲	۱۳۲	۱۶	۱۲۹	۱۳۵	۱۷۰
متوسط	۲۵۶	۱۳۲	۲۰	۱۳۰	۱۳۵	۱۸۳
زیاد	۴۷۵	۱۳۳	۲۰	۱۳۱	۱۳۵	۱۷۹
کل	۸۶۳	۱۳۳/۰۴	۱۹	۱۳۱	۱۳۴	۱۸۳



شکل ۵. توزیع فراوانی تعاملات اجتماعی

در جدول ۷ مشاهده می‌شود که مقدار معناداری آزمون لون کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است. بنابراین فرض صفر برابری واریانس‌ها رد می‌شود و پیش‌فرض تحلیل واریانس نقض می‌شود. با توجه به جدول ۸ اگر سطح معناداری ۰/۰۱ را در نظر گرفته شود، می‌توان گفت که برابری واریانس‌ها برقرار است. از این‌رو معادل پارامتری آن یعنی کروسکال والیس را در جدول ۹ آورده شده است.

متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شوند. همان‌طور که از شکل ۵ قابل‌مشاهده است، نرمال بودن متغیر وابسته (تعاملات اجتماعی) با هیستوگرام بررسی‌شده و برقرار است. در نهایت تغییرهای میانگین تعاملات اجتماعی نیز در شکل ۶ نشان داده شده است. شکل‌های ستونی خطا همپوشانی عمده را برای سه سطح میزان استفاده از فضای باز را نشان داده است.



شکل ۶. تغییرهای میانگین تعاملات اجتماعی

جدول ۷. آزمون لون برای بررسی همگنی واریانس‌ها بر تعاملات اجتماعی

آماره لون	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	مقدار معناداری
۴	۲	۸۶۰	۰/۰۱۱

جدول ۸. میزان استفاده از فضای باز بر تعاملات اجتماعی (ANOVA)

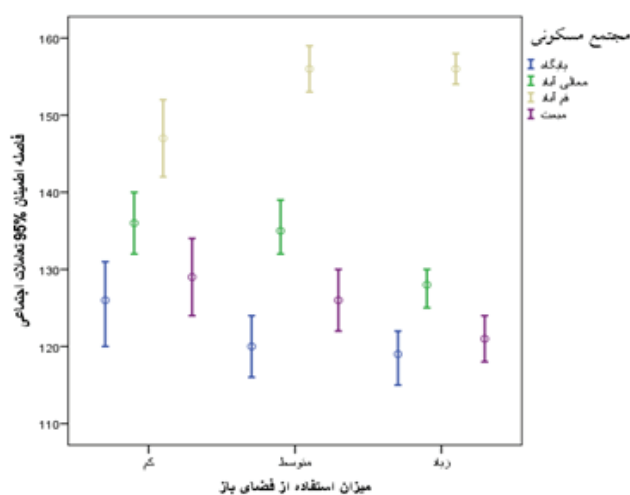
منبع تغییرات	مجموع مجذورات (SS)	درجه آزادی (df)	میانگین مجذورات (MS)	F	مقدار معناداری (P-value)
بین گروه‌ها	۱۱۰	۲	۵۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۳۳۶۲۶۹	۸۶۰	۳۹۱/۰۱۱	-	-
کل	۳۳۶۳۷۹	۸۶۲	-	-	-

جدول ۹. آزمون کروسکال والیس در تعاملات اجتماعی

آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار معناداری
۰/۰۱۱	۲	۰/۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد هر دو معنی‌دار می‌باشند و تأثیر معنی‌دار میزان استفاده از فضای باز را بر تعاملات اجتماعی نشان می‌دهند. بنابراین برای واضح‌تر شدن تفاوت‌ها از شکل‌های خوشه‌ای شکل ۷ استفاده شده است، که میانگین تعاملات اجتماعی را هم بر اساس تفکیک مجتمع‌های مسکونی و هم میزان استفاده از فضای باز نشان می‌دهد.

آزمون سوم: تحلیل واریانس، در مجتمع‌های زیستی و فضای باز در ایجاد تعاملات اجتماعی این فرضیه مطرح است که بین میزان استفاده از فضای باز و نوع مجتمع مسکونی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. برای بررسی ارتباط بین میزان استفاده از فضای باز در جدول ۱۰ متغیری طبقه‌ای با ۳ سطح کم، متوسط و زیاد و نوع مجتمع مسکونی متغیر طبقه‌ای با چهار



شکل ۷. فاصله اطمینان تعاملات اجتماعی در میزان استفاده از فضای باز

جدول ۱۰. بررسی ارتباط بین میزان استفاده از فضای باز

مجتمع مسکونی					میزان استفاده از فضای باز		
کلی	مجموعی	کوثر	معالی آباد	پایگاه			
۱۳۲	۴۷	۱۸	۲۶	۴۱	فراوانی مشاهده شده	ع	میزان استفاده از فضای باز
۱۳۲	۳۳	۳۳	۳۲	۳۳	فراوانی مورد انتظار		
%۱۵	%۵	%۲/۱	%۳	%۴	درصد از کل		
۲۵۶	۶۰	۵۷	۵۰	۸۹	فراوانی مشاهده شده	متوسط	
۲۵۶	۶۴	۶۴/۱	۶۳	۶۴/۱	فراوانی مورد انتظار		
%۲۹	%۶	%۶	%۵	%۱۰	درصد از کل		
۴۷۵	۱۱۰	۱۴۱	۱۳۸	۸۶	فراوانی مشاهده شده	زیاده	
۴۷۵	۱۱۹	۱۱۸	۱۱۷	۱۱۸	فراوانی مورد انتظار		
%۵۵	%۱۲	%۱۶	%۱۵	%۹	درصد از کل		
۸۶۳	۲۱۷	۲۱۶	۲۱۴	۲۱۶	فراوانی مشاهده شده	کل	
۸۶۳	۲۱۷	۲۱۶	۲۱۴	۲۱۶	فراوانی مورد انتظار		
%۱۰۰	%۲۵	%۲۵	%۲۵	%۲۵	درصد از کل		

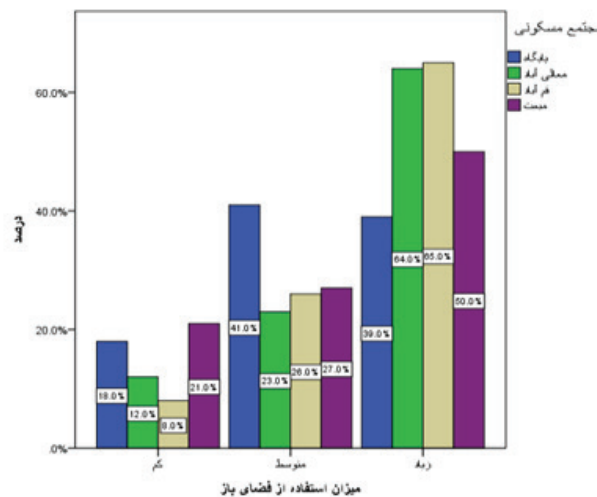
جدول ۱۱. آزمون خی دو در مجتمع‌های زیستی و فضای باز در ایجاد تعاملات اجتماعی

مقدار معناداری	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	آزمون خی دو
۰/۰۰۰	۶	۴۶	

جلوه بصری و محیطی، قابلیت انعطاف‌پذیری، تعامل اجتماعی، تنوع و سازگاری، خوانایی، قابلیت انعطاف‌پذیری در ایجاد توجیه علاقه‌مندی به فضا مؤثر بوده است.

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که تعاملات اجتماعی قوی، با وجود فضاهای همگانی، تنوع و توزیع عالی کاربری‌ها، توجه به کف‌سازی پیاده‌راه‌ها، نورپردازی و مبلمان، نمادها و عناصر خراطره‌ساز متناسب با مکان می‌تواند باعث هویت بخشی بیشتری در محیط شود و ادراک کاربران را افزایش دهد. این ارتباط متقابل بین رفتار محیط و درک محیطی کاربران از فضا موجب تعامل و فعالیت‌پذیری بین آنها می‌شود. در نهایت نتیجه پژوهش در چهار مجتمع مورد بررسی اثبات کرد؛ که وجود بستری مناسب،

سطح که هر کدام یکی از مجتمع‌های مسکونی می‌باشند، با توجه به اینکه هر دو متغیر طبقه‌ای هستند از آزمون خی دو استفاده می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، در جدول ۱۱ مقدار معناداری آزمون کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ است. بنابراین بین نوع مجتمع‌های مسکونی و میزان استفاده از فضای باز رابطه معناداری وجود دارد. مطابق با شکل ۸ ستونی مشاهده می‌شود که، بیشترین میزان استفاده از فضای باز در مجتمع‌های کوثر و معالی آباد، سپس مجتمع مبعث می‌باشد. در نهایت مجتمع پایگاه کمترین میزان استفاده از فضای باز را در بین ساکنان خود داشته است. تفاوت در تعامل اجتماعی در نمونه‌های مورد بررسی به طراحی فضای باز مجتمع‌ها و میزان استفاده از آن ارتباط دارد. معیارهایی چون عوامل فعالیتی و ارتباطات جمعی،



شکل ۸. درصد میزان استفاده از فضای باز در مجتمع‌ها

انسان‌ها در مجتمع‌های زیستی داشته است. این در حالی است که با توجه به مؤلفه‌ها و شاخصه‌های موثر، روابط اجتماعی افراد در چهارمورد بررسی شده تفاوت‌های معناداری با یکدیگر دارند. که تفاوت در تعامل اجتماعی در نمونه‌های مورد بررسی به طراحی فضای باز مجتمع‌ها و میزان استفاده از آن ارتباط دارد. می‌توان به این نکته اشاره کرد که نتایج پژوهش‌های دانشپور، چرخیان، رفیعیان در راستای مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی، ناکیور فریدا پیرامون فضاهای مشترک خارجی و تعامل اجتماعی، کاپلان و پاکزاد بر رابطه معنادار بین تأثیر کیفیت فضا در حضور افراد است که با نتیجه این پژوهش در یک جهت بوده است و آن را تأیید می‌کند. نقش مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، ادراک محیط فیزیکی به‌عنوان بستر شکل‌گیری روابط ساده و پیچیده اجتماعی در فضای باز مجتمع‌های زیستی وجود دارد. که پس از بررسی نمونه‌های موردی در این پژوهش، نقش مؤلفه‌های مؤثر در طراحی و ایجاد بستری مناسب در فضاهای باز مجتمع مسکونی بر ایجاد تعاملات اجتماعی در شکل ۹ دسته‌بندی شد. می‌توان به این نکته اشاره کرد که هر یک از مؤلفه‌ها به‌عنوان هدایت‌گر رفتاری انسان و محیط نقش متقابلی را بین رفتار محیط و پاسخ کاربران در بردارد و با همسازی بین رفتار محیط و ایجاد فضای باز مطلوب در راستای تعامل و کنش اجتماعی کاربران در محیط مؤثر باشد. از این‌رو اصولی راهبردی در جهت طراحی فضاهای باز جمعی در شکل ۱۰ پیشنهاد می‌گردد.

پیوستگی فضا و رفتار محیط در میزان استفاده کاربران در ایجاد تعامل اجتماعی تأثیرگذار است. هرچقدر مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و ادراکی و شاخص‌های آن در فضای باز مورد توجه طراحان قرار گیرد، بیشتر موجب سرزندگی و پویایی فضا می‌شود. این مؤلفه‌ها در مجتمع مسکونی کوثر رعایت شده است؛ در مجتمع مبعث و معالی آباد با توجه به وجود فضاهای باز، ولی به دلیل کم‌رنگ شدن این مؤلفه‌ها از دیدگاه کاربران، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مجتمع پایگاه شاید هم‌زیستی بیشتری در آن دیده می‌شود؛ ولی به دلیل نبود کیفیت فضا و عدم نگهداری از فضای باز، فعالیت و تعامل مطلوبی در آن دیده نمی‌شود.

مطابق با تحلیل یافته‌های این پژوهش در بین مجتمع‌های ذکر شده، میزان استفاده از فضای باز و تعاملات اجتماعی رابطه معنی‌دار وجود دارد. نقش و قابلیت‌های طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی با تأثیر از مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی در فراهم آوردن بستری برای برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی تأثیرگذار است که با تأمین جاذبه‌های بصری، مطلوبیت کالبدی و حسی فضا که با عواملی چون نظم و هماهنگی، تعیین و تشخیص فضا قابل تأمین است. از سوی دیگر حضور افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی فعالیت‌پذیری و اجتماع‌پذیری را افزایش داده است و موجب تعامل ساکنین شده است. حس تعلق جمعی، امنیت اجتماعی و رضایتمندی می‌تواند نقش بسزایی در تعاملات اجتماعی

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های اجتماعی در حیطه روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. در سال‌های اخیر، استفاده از فضای باز سکونتگاه‌های زیستی فعالیت‌پذیر دستخوش تغییرات بسیاری شده است که با استفاده از مؤلفه‌های مؤثر بر فضاهای باز مجتمع‌های زیستی و نوع تعامل انسان و محیط مطابق با اصول و راهبردهای مطرح شده، نقش بسزایی را در رضایت‌مندی انسان‌ها از محیط‌های زیستی خود بوجود آورد. از این‌رو کیفیت محیط منطبق با رفتارها و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. کیفیت این رفتارها نیز بستگی به بستری مناسب نسبت به محیط زندگی غالباً در تعامل با دیگران صورت گرفته است، که با به وجود آوردن زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری، به رشد فردی انسان کمک کرده است. این ارتباط، تبادل کنش‌ها و واکنش‌هاست که انسان را با زیستگاهش به تعادلی مناسبی می‌رساند.

هدف اصلی این تحقیق دستیابی به متغیرهای تأثیرگذار در تعاملات اجتماعی و شناخت معیارهای تأثیرگذار در کیفیت طراحی مجتمع‌های مسکونی با ایجاد فضای باز در مقیاس محلی است، تا از این طریق بتوان به تقویت و توسعه این فضاها به‌عنوان مجراها و کانال‌های دربرگیرنده مکان و جنبه‌های اجتماعی قوی پرداخت. از این‌رو، در این پژوهش رابطه میزان استفاده از فضای باز و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های زیستی بر اساس مؤلفه‌ها و ابعاد ذکر شده، ارزیابی و تحلیل شد. که می‌توان نتیجه گرفت، در جهت بالا بردن تأثیر مثبت مجتمع‌های مسکونی بر روابط افراد می‌توان با ارتقاء دادن میزان کیفیت فضاهای باز مکان‌های مسکونی با در نظر گرفتن سه مؤلفه نخست؛ مؤلفه ادراک به‌عنوان عوامل هدایت‌گر رفتار انسان و محیط دوم؛ مؤلفه اجتماعی به‌عنوان کنش ارتباطی، اجتماع‌پذیری و تعامل جمعی و سوم؛ مؤلفه کالبدی است که تحت تأثیر نوع تعامل انسان و محیط، یکپارچگی و هماهنگی فضایی و خوانایی می‌توان فضایی مطلوب را شکل داد. لذا، هر قدر کیفیت فضای باز جمعی در بین ساکنین بالا باشد، تعاملات اجتماعی در بین آنها تقویت می‌شود و آن مکان بیشتر مورد استفاده ساکنین قرار می‌گیرد.

فهرست مراجع

- آلمن، ایروین. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی. (علی نمازیان، مترجم). تهران: شهید بهشتی.
- بهزادفر، مصطفی؛ و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی و تحکیم و توسعه

روابط شهروندی در خیابان شهری: نمونه مورد مطالعه سندج. مجله باغ نظر، ۲۵، ۲۸-۱۷.

۳. بنتلی، ایان؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ گلیسسن، سومک و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۲). محیط‌های پاسخ دهنده: کتاب راهنمای طراحان. (مصطفی بهزادفر، مترجم). تهران: علم و صنعت.

۴. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۳). گره میدان فلکه، بررسی معناشناختی سه واژه در شهرسازی. ماهنامه برنامه ریزی و مدیریت شهری، ۶۷، ۸-۱۶.

۵. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: انتشارات شرکت طرح و نشر پیام سیما.

۶. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). سیراندیشه‌ها در شهرسازی ۳. تهران: انتشارات شهیدی.

۷. جیکوبز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی. (حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، مترجمان). تهران: تهران.

۸. دسوان، آبراهم. (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی انسانی. (جعفر نجفی، مترجم). چاپ اول، تهران: نشر خاک.

۹. پ ذبیحی، حسین؛ حبیب، فرح؛ و رهبری‌منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تاثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان. هویت شهر، ۸، ۱۱۸-۱۰۳.

۱۰. دانشپور، سید عبدالهادی؛ و چرخیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، ۴ (۷)، ۲۸-۱۹.

۱۱. راپاپورت، آموس. (۱۳۸۱). نظریه فرهنگ و مسکن. (لیلا عمادی الهیاری، مترجم). مجله آبادی، ۳۶، ۱۱-۱۶.

۱۲. رضازاده، راضیه. (۱۳۸۴). کاربرد علوم محیطی در فرایند مطالعاتی طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا، ۲۴، ۴۴-۳۷.

۱۳. رهروی پوده، ساناز و رازقی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های فضای باز در جهت ارتقاء تعاملات اجتماعی محیط‌های همسایگی، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، تبریز، کانون ملی انجمن‌های صنفی مهندسان معمار ایران،

۱۴. طبیبیان، منوچهر، نصیبه چریگو و انسیه عبدالهی مهر. (۱۳۹۱). بازتاب سلسله‌مراتب در شهرهای ایرانی اسلامی. آرمان شهر، ۷، ۵۴-۲۲.

۱۵. عامری سیاهیویی، حمید. (۱۳۸۷). نقش معماری در پیشگیری از جرم. تهران: مجد.

۱۶. فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.

۱۷. کاشانی‌جو، خشایار. (۱۳۸۹). باز شناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهر. مجله هویت شهر، ۶، ۹۵-۱۰۵.

۱۸. لنگ، جان. (۱۳۸۱). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم

34. Kaplan, R. (1985). The analysis of perception via preference: a strategy for studying how the environment is experienced. *Landscape Planning*, 12 (2), 161–176.
35. Marcus, C.C., & Sarkissian, w. (1986). *Housing as if people Mattered Berkeley*. California: University of California Press.
36. Rapoport, A. (1990). *The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach*. Tucson: The University of Arizona Press.
37. Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30 (1), 1–10.
38. Wheeler, C.N. (1990). *Stimulating Scottish and united Kingdom economist through export promotion programs, in cavusgil*. S. T. and Czinkota, M. R. (Eds) Quorum, New York: International perspectives on Trad promotion and Assistance, NY.
39. Whyte, W. (1980). *Social life of small Urban Space*. Washington DC: The Conservation foundation Press.
40. Huffman, R. (2006). The Value of Urban Open Space. *Urban land*, 65 (1), 108–111.
41. Moleski, W.H., & Lang, J.T. (2010). *Organizational Goals and Human Needs in Office Planning*. In Jean D. Wineman (Ed), Behavioral Issues in Office Design. New York: Van Nostrand Reinhold Company.
42. Mumford, L. (1970). *The culture of cities*. New York: Harcourt Brace Javanovich.
43. Stefanovic, I. L. (1998). “Phenomenological Encounters with Place: Cavtat Square One”, *Journal of Environmental Psychology*, 18, 31-44.
44. Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. Boston: CBI Publishing Company.
45. Tuan, Y. (1997). *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
46. Trancik, R. (1986). *Finding lost space: theories of urban design*. John Wiley & Sons.
- رفتاری در طراحی محیط. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: تهران. چاپ ۱.
۱۹. لنگ، جان. (۱۳۸۶). طراحی شهری: گونه‌شناسی رویه‌ها و طرح‌ها. (حسین بحرینی، مترجم). تهران: تهران.
۲۰. لینچ، کوین. (۱۳۸۷). سیمای شهر. (منوچهر مزینی: مترجم). تهران: تهران. چاپ ۷.
۲۱. لینچ، کوین. (۱۳۸۴). تئوری شکل خوب شهر. چاپ سوم. (سید حسین بحرینی: مترجم). تهران: تهران.
۲۲. میراقتدایی، مهنا. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر. نشریه هنرهای زیبا، ۳۷، ۱۶-۵.
۲۳. نوروزی، شعله. (۱۳۸۳). رهنمود طراحی فضای باز مسکونی. نشریه صفا، ۱۴ (۳۹)، ۴۵ - ۶۶.
۲۴. نیومن، اسکار. (۱۳۹۴). خلق فضای قابل دفاع. (فائزه رواقی و کاوه صابر، مترجمان). تهران: طراحان. چاپ ۲.
25. Altman, I., & Seta, L. (1992). *Place Attachment*. New York: Plenum Press.
26. Biddulph, M. (2007). *Introduction to Residential Layout*. Published by Elsevier. Oxford: Architectural Press.
27. Car, S. (1992). *Public Space*. Cambridge England; New York, NY, USA :Cambridge University Press.
28. Coleman, A. (1985). *Utopia on Trial: Vision and Reality in Planned Housing*. London: Hilary Shipman.
29. Cooper M.C, & Wendy S. (1986). *Housing as if People Mattered: Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing*. Berkeley: University of California Press.
30. Farida, N. (2013). Effects of outdoor shared spaces on social interaction in a housing estate in Algeria, *Frontiers of Architectural Research*, Production and hosting by Elsevier, 2(4), 457-467.
31. Francis, M. (2003). *Urban open space: Designing for User Needs*. Washington D.C: Island Press.
32. Gehl A. (2003). *Public Spaces and Public life Adelaide*. Copenhagen: Danish architectural Press.
33. Jacobs, J. (1993). *Tod und Lebengrober Amerikanischer Stadte*. Frankfurt: Verlage uhlstein GmbH.

47. Van der Voordt, D. J. M., & Wegen, H. B. (2005). *Architecture in use: an introduction to the programming, design and evaluation of buildings*. Routledge. New York: Taylor & Francis.
48. Woolley, H. (2003). *Urban Open Sapace*. Spon Press. Routledge.
49. Wheeler, S.M. (2013). *Planning for sustainability: creating livable, equitable and ecological communities*. Routledge.

Evaluating the Role of Effective Components in Outdoor Residential Complexes on the Creation of Social Interactions

*Nazanin Dehnad**, Ph.D. candidate in Architecture, Department of Architecture, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

Dr. Bagher Karimi, Ph.D., Assistant Professor, Department of Architecture, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

Abstract

In recent years, changes in demographic, social and cultural characteristics have had a significant impact on settlements. With the increasing size of cities, density and civility, citizenship and social relations -that are the most important principles in the city- are weakened and hence a sense of community and emotional ties that have been present in past societies, is disappearing in modern society. Public spaces are key elements in shaping social life; trying to provide an appropriate context to living and satisfying needs of residents and to increase social interactions and solidarity between people in an appropriate environment. Especially in big cities, Sub-urban areas tend to lose their identity and there is no border among private and semi-private open spaces. Therefore, collective interactions among residents living in biological spaces have declined. Social structure and physical and social interaction between headquarters and behavioral and social locations effect on residents; this is a criteria for measuring the utility of bio locations. The purpose of this study is to recognize the responsible components that improve the quality of open space as a mean of improving the quality of social life and seeks to honor social interactions among the logical relationships. Survey method of this study was filling out questionnaires. The test population consisted of 4 residential complexes at Shiraz city. Samples were estimated by Cochran, 217 Questionnaires based on random cluster distribute among residents of Complexes. Validity of the questionnaire was estimated %0.84, measured by Cronbach's alpha. To analyze the data, SPSS and Minitab software were used and also analyzed by Anova and Chi-square test. As a result, this study concluded factors affecting on open space effect on social interactions.

The role of physical, social and physical environment as forming simple and complex social relations is important; this role should be able to satisfy the demands of residents in public spaces. So, role and function of complex biological design and quality of open space in promoting the social interaction is confirmed. By providing visual attraction and desirability of physical and emotional spaces with factors such as order and harmony, identifying the security and reachability, visual beauty can be strengthen amongst other human needs. Presence of individuals and different social groups and social interactions among them is considered a social desirability due to interaction between people and the relationship between the quality of spaces and activities increases the amount of activity ability. Physical and suitable design form and shape the desirable space, so that provide a personal space suitable that matches the culture and psychology of personality and individual residents. The high quality of open space the more social interaction; so, in order to enhance the positive impact of residential complexes on relationships quality of open space should improve and therefore solidarity and belonging to a place is attainable. Findings show that there was a significant relationship between the variables. Finally, placement of a group of residential complexes around a common open space can lead to creation of spatial diversity and a variety of social relationships; this linkage strengthens the social interactions, suitable social stability and collective belonging.

Keywords: Social relations, Open space, Residential complexes, Common open space

* Corresponding Author: Email: nazanin.Dehnad@gmail.com